

آیا می‌دانستید با عضویت در سایت جزوه بان می‌توانید به صورت رایگان جزوات و نمونه

سوالات دانشگاهی را دانلود کنید؟؟

فقط کافیست روی لینک زیر ضربه بزنید



[ورود به سایت جزوه بان](#)

Jozveban.ir

telegram.me/jozveban

sapp.ir/sopnuu

جزوات و نمونه سوالات پیام نور



@sopnuu
jozveban.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیر اندیشه سیاسی در غرب (الف)

رشته : علوم سیاسی
مؤلف : سعید صادقی
تهیه کننده : توران مشهدی فراهانی

اهداف کلی

- یکی از فواید مطالعه اندیشه های سیاسی این است که ما را با چهارچوبهای نظری حکومت های امروزی آشنا می نماید.
- آشنایی با نظرات اندیشمندان بزرگ سیاسی در برخورد با بحرانهای مختلف عام بشری و از سوی دیگر شناخت ما را از پدیده های حال و گذشته سیاسی عمیق تر می نماید.

بخش اول

اندیشهٔ سیاسی در یونان
باستان

فصل اول

تعاریف و مفاهیم

هدفهای مرحله ای

در این فصل دانشجو با مفهوم اندیشه سیاسی و مفاهیم مهم در ارتباط با آن یعنی فلسفه سیاسی، نظریه سیاسی، ایدئولوژی سیاسی به صورت مختصر آشنا می شود.

هدفهای رفتاری

- 1- تعریفی از اندیشهٔ سیاسی ارائه دهد.
- 2- فلسفهٔ سیاسی و تفاوت آن را با اندیشهٔ سیاسی بیان کند.
- 3- نظریهٔ سیاسی و تفاوت آن را با اندیشهٔ سیاسی توضیح دهد.
- 4- ایدئولوژی سیاسی را تعریف و فرق آن را با اندیشهٔ سیاسی بداند.

فصل اول اندیشه سیاسی (ریمون آرون)

«اندیشه سیاسی عبارت از کوشش برای تعیین اهدافی که به اندازه معقولی احتمال تحقق دارد و نیز تعیین ابزارهایی که در حد معقولی می توان انتظار داشت موجب دستیابی به آن اهداف بشود».

فصل اول رابطه اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی

اندیشیدن در امور سیاسی از بدو شروع زندگی جمعی و آغاز شکل گیری جوامع انسانی وجود داشته است فلسفه سیاسی در دوره ای خاص از مدنیت بشر آن هم به تعبیر اندیشمندان غربی در آتن یونان شکل می گیرد.

فصل اول رابطه اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی

- بحث اعم و اخص است. یعنی اندیشه سیاسی حوزه ای کلی تر است که فلسفه سیاسی را نیز در بر می گیرد.

فصل اول رابطه اندیشه سیاسی و فلسفه سیاسی

● فلسفه سیاسی جزئی از اندیشه سیاسی است. پس هر بحث و مطالعه ای در فلسفه سیاسی جزئی از بحث و مطالعه در اندیشه سیاسی است. هر اندیشه سیاسی را نمی توان به منزله فلسفه سیاسی به شمار آورد.

اعتقاد برخی از نویسندگان در اندیشه سیاسی و نظریه سیاسی

«نظریه سیاسی درد شناس است و نسبت به اندیشه سیاسی جزءنگرتر است در حالی که اندیشه سیاسی علاوه بر توضیح پدیده ها، ویژگی هنجاری و نرماتیو را هم دارا می باشد یعنی درمانگر است و در بررسی تغییر واقعیت همراه با سرزنش و یا تأیید اخلاقی می آید.»

نظریه کارل مانهایم در کتاب «ایدئولوژی و اتوپیا»

● اندیشه سیاسی را مترادف با ایدئولوژی و اتوپیا بکار می برد. به اعتقاد وی ایدئولوژی نمایانگر قالب توجیهی و جهان بینی طبقه حاکم برای تداوم سلطه بوده است.

نظریه کارل مانهایم در کتاب «ایدئولوژی و اتوپیا»

- در مقابل اتوپیا نشانگر آمال و آرزوهای طبقه زیرین و تحت ستم برای خروج از وضع موجود محسوب می شد.

فصل دوم

فلاسفه پیش از سقراط

اهداف مرحله ای

فصل دوم

- آشنایی دانشجو با زمینه های شکل گیری اندیشه سیاسی در یونان باستان بویژه قبل از سقراط.
- مراحل فکری یونان از جمله اسطوره گرایی، طبیعت گرایی و انسانگرایی سوفسطائیان

هدفهای رفتاری

فصل دوم

1 - مراحل فکری در یونان باستان را بداند.

2 - نقش و میراث اسطوره های یونانی در اندیشه های سیاسی را شرح دهد.

هدفهای رفتاری

فصل دوم

- 3 - ویژگیهای اساسی متفکرین مرحله دوم نسبت به دوره اسطوره را بداند و تحلیلی از دوحوزه ایونی و ایلئیائی ارائه نماید.
- 4 - عقاید و تأثیر سوفسطائیان در عرصه اندیشه سیاسی یونان را پی ببرد.

یونان خاستگاه تمدن غرب

فصل دوم



یونان خاستگاه تمدن غرب

- چرا که اولین نشانه های مدنیت و چرایی در مسائل هستی در شهرهای یونان شکل گرفته است
- بطوریکه بعضی از مورخان غربی از عبارتی همچون «معجزه یونانی» و «عظمت از آن یونان» سخن به میان می آورند.

نظر لویی گارنه در مورد یونان

در کتاب «یونانیان بدون معجزه» در خصوص گزافه‌گویی‌هایی راجع به یونان و «ایدآلیزه کردن هلنیسم» را یکسره طرد کرد و معتقد است وصف‌هایی چون «ژن یونانی»، «اعجاز یونان»، «عقل یونانی» و «عظمت یونانی» جملگی در شمار خرافات تاریخ‌نویسی سده نوزدهم در آمده‌اند.

یونان خاستگاه تمدن غرب

قسمت عمده ای از اصطلاحات علمی امروز در غرب ریشه در ابداعات فرهیختگان یونان باستان دارد .
واژگانی مصطلح همچون سیاست،
دموکراسی، اقتصاد، تاریخ ، فلسفه،
روش، منطق، زیست شناسی

فصل دوم نظر تئودور گمپرتس در خصوص یونان

- «یکی از آثار بی نظیر آنان این بود که سعی نمودند علم را بر اساس خرد و عقل عرضه نمایند اما روح علمی، همچون چراغ جادویی علاءالدین نیست که تنها یونانیان آن را بدست داشته و در روشنایی آن گنج شناسایی را یافته باشند».

ویل دورانت به نقل از شلی

دوره ای که میان تولد پریکلس (429 ق.م) و مرگ ارسطو (322 ق.م) واقع است. چه درحد خود و چه از لحاظ تاثیری که در مقدرات انسان متمدن داشته است، بی شک مهمترین دوران تاریخ جهان است.

سیر تحول فکری در یونان

فصل دوم

الف) دوره اسطوره گرایی

ب) دوره طبیعت گرایی

ج) دوره ظهور فلسفه و علوم
انسانی

مرحله اول : اسطوره گرایی

- هومر اولین متفکر و شاعر یونانی است اوبه خلق آثار حماسی و جاودانه همچون منظومه های «ایلیاد» و «اودیسه» پرداخت در این آثار از اعمال حماسی واسطوره ای قهرمانان وخدایان انسانگونه، و تاثیر آن در زندگانی بشر سخن می گوید.

مرحله اول : اسطوره گرایی

- یونانیان برای هرپدیده از جمله امور ناشناخته و خوف طبیعت از قبیل صاعقه، زلزله، طوفان و . . اسطوره ساخته بودند. خدایانی همچون زئوس آپولون - تیفی

مرحله اول : اسطوره گرایی

- یونانیان برای هر پدیده از جمله امور ناشناخته و خوف طبیعت از قبیل صاعقه، زلزله، طوفان و . . اسطوره ساخته بودند. خدایانی همچون زئوس آپولون - تیفی

مرحله اول : اسطوره گرایی

- نظر سیاسی اندیشه های اسطوره ای هومر و هزیود نوعی تداوم فضیلت و احترام از خدایان آسمانی را به طبقه اشراف زمینی منتقل نمود

مرحله دوم: طبیعت گرایی در برابر اسطوره گرایی

به تعبیر ارسطو، گذار از اسطوره به عقل است. وی فیلسوفان پیش از سقراط را عموماً متفکرین «طبیعت گرا» که به کمک عقل و خرد بجای اسطوره بدنبال طبیعت بودند.

فصل دوم وجه اشتراک طبیعت گرایی و اسطوره گرایی

● نخست : اینکه عموماً به مطالعه عقلی و نظری «مواد اولیه» نظام هستی و طبیعت پرداختند،

● دوم : اینکه آنها در بررسی های خود سعی می کردند از قالبهای ذهنی کهن یعنی اسطوره ای خارج شوند.

حوزه ایونی

این تحول فکری یونانیان در منطقه ایونی
بویژه در شهر ملطیه رخ می دهد. این شهر
به دلایل روحیه عملگرایی ناشی از رونق
تجارت و موقعیت جغرافیایی در مقطعی از
تاریخ یونان توانست اندیشمندان بزرگی را
بپروراند



حوزه ایونی

اندیشمندان مکتب ملطی حکمای «طبیعت گرا» بجای توجه به پاسخهای اسطوره از طریق تجربه به طرح خمیرمایه و سازنده جهان پرداختند. طالس مواد تشکل دهنده جهان را آب، جهان را بیکران و نامتناهی عنصر اولیه را هوا می داند.

هراکلیت

- هراکلیت معروف به «فیلسوفِ گریان» حوزه ایونی
- « این نظم جهان را که برای همه یکسان است هیچ خدا یا انسانی نساخته است، بلکه همواره آتشی همیشه زنده بوده و هست و خواهد بود، به اندازه هایی شعله ور و به اندازه هایی خاموش »
- «همه چیز در حال گذر است و هیچ چیز ثابت و آرام نیست بطوریکه در یک رودخانه نمی توان دوبار فرو رفت»

هراکلیت از لوگوس

- «قانون حاکم بر کل امور جهان است که بر محور عقلانیت انسجام یافته است».
- وی ضمن رد فرامین خدایان و اسطوره های یونانی مدعی بود :
- «حتی به من گوش نکنید بلکه به لوگوس گوش فرا دهید»

اصول روش شناسی هراکلیت

فصل دوم

1- «طبیعت مشتاق است همیشه پنهان بماند»،
برخی او را «فیلسوف معما» یا «چیستان سرا»
نیز میگویند.

اصول روش شناسی هراکلیت

فصل دوم

2- مدعی بود به تنهایی و صرفاً از طریق چشم و گوش و تجربه نمی توان به شناخت رسید. وی برای حل این معما از مفهوم «لوگوس» استفاده نمود.

3 - علاوه بر طبیعت به مطالعه امور سیاسی و اجتماعی نیز توجه داشته است.

عقاید هراکلیت در برانگیختن اندیشه سیاسی

**1- با انکار ثبات امور جهان معتقد
بودتغییر سازمانها و نهادهای سیاسی
موجود، خلاف آیین و ناموس کیهان
نیست.**

عقاید هراکلیت در بر انگیختن اندیشه سیاسی

2- الهام بخش افلاطون و ارسطو در
قسمتهای بدیع عقایدشان شد و افلاطون را
در فکر یافتن نظامی ایمن از دگرگونی یعنی
مدینه فاضله او انداخت و ارسطو رابه پیدا
کردن منشاء جامعه سیاسی و چگونگی
سیر تحول در آن رهنمون شد

مکتب فیثاغورثی

- فیثاغورث پایه گذار سنت عرفانی- فلسفی مغرب زمین محسوب می شود، که با تلفیق ریاضی و عرفان سعی نمود، به حقایق امور پی ببرد
- آیین فیثاغورثی عرفان فلسفی را به فرهنگ یونانی ارائه نمود.

مکتب ایلپائی

فصل دوم

- مکتب ایلپائی ضمن تحقیر روش مادیگرایی و علوم ملطی مدعی بود که: «تنها از طریق استدلالهای منطقی می توان به حقایق امور دست یافت»

مکتب ایلپائی

فصل دوم

- پارمیدس ایلپائی در مقابل عقاید هراکلیت ایستاده و منکر اصل تغییر و دگرگونی شد. به دلیل تحلیلهای استدلالی و منطقی اش او را «پایه گذار منطق» نیز میگویند.

مکتب ایلئیائی

کسنو فانس که شهرتش بدلیل شکا کیت اش در مقابل اساطیر و خدایان المپ می باشد .. وی ضمن رد خدایان متعدد به خدای واحد اعتقاد داشت وی همچنین با طرح رواج حکمت و دانایی بجای زور و بازو در دولت شهرهای یونان آنان را متوجه اهمیت فرهنگی فلسفه نمود.

فصل دوم مرحله سوم : از طبیعت به انسان و جامعه

- زمینه های شکل گیری و رونق حوزه مرکزی
- در مرکز این حوزه ها (غرب و شرق) دولت شهرهای معروف آتن و اسپارت قرار دارد.
- آنان همگی سرزمین خود را «هلاس» گفته و همچنین خود را از نژاد «هلن» می دانستند.

عوامل رشد و بالندگی آتن

- 1 - شرایط اقلیمی و موقعیت نسبتاً مناسب اقتصادی حوزه مرکزی
- 2 - زمینه ها و شرایط سیاسی
- 3 - آتن از موقعیت سیاسی و اجتماعی ویژه ای برخوردار بود و آن وجود سنت قوی دموکراسی و تساهل نسبی حاصل از آن

طبقات اجتماعی در آتن

الف) طبقه شهروندان

ب) طبقه متیکها

ج) طبقه بردگان و غلامان

ویژگیهای طبقه بردگان و غلامان

- 1 - کار عمده آنان جسمی و یدی بود.
- 2 - از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم بوده و جز اموال دو طبقه شهروندان و متیکها محسوب می شدند.
- 3 - جمعیت قابل توجه

نهادهای سیاسی دموکراتیک در آتن

● نهادهای سیاسی آتن کار دو قانونگذار نوآور یعنی سولون (594 ق.م) و کلیستنس (508 ق.م)، بود که قانون اساسی را با هدف واضح دگرگون کردن طبیعت طبقه حاکم و حیات سیاسی اصلاح کردند.

سولون

- سولون مقام بنیانگذار مردم سالاری آتن و نخستین «پهلوان عامه مردم» را داشت .
- علت نزاع داخلی را در کشورها وجود قدرت نامحدود در دست طبقه بالا و مورثی می دانست . او شورای مراقبتی قدرتهای سنتی و شورای موروثی را تشکیل داد.
- او دادگاههای دادوری تشکیل داد و لذا برای عامه مردم نقشی اساسی در نظارت بر حکومت قائل شد.

- کلیستنس برای سست کردن وفاداریهای محلی و قومی در مقابل منافع اجتماعی سعی نمود حکومتهای محلی مردم سالار را در سطح شهر و روستاهای اطراف آتیک رواج دهد.

- بر طبق قانون اساسی «کلیستنس» همه شهروندان می توانند در «مجمع ملی» یا «مجمع خلق» که یونانیان به آن «الکزییا» می گفتند عضویت داشته باشند.

شهروندان جامعه آتن

فصل دوم

- 1 - شهروندان اریستوکرات یا اشراف زمیندار
- 2 - بازرگانان و تجار

شهروندان جامعه آتن

- بخش عمده ای از جمعیت متیکها، بردگان، غلامان و زنان که حق رأی و دخالت در مسائل سیاسی را نداشتند.
- بنابراین فرهنگ سیاسی این شهر نوعی فرهنگ مردان آزاد بود که نه تنها زنان بلکه غیر آتنی ها هم حق شرکت در فعالیتهای سیاسی را نداشتند.

انسان گرایی سوفسطائیان

فصل دوم

- سوفسطائیان به تعبیر امروز جز فرهیختگان و روشنفکران عصر خود بودند، و از نظر روش شناسی به شدت بر بعد «حسی انسان» تأکید داشتند و بجای اساطیر و طبیعت به «انسان و جوامع انسانی» معتقد بودند

انسان گرایی سوفسطائیان

فصل دوم

- آموزش سخنوری و خطابه یک امر ضروری برای جوانان آتن تلقی می شد. افلاطون، «سوفسطائیان را لاف زنانی می داند که چیزی از حقیقت نمی دانند»

ویزگیهای انسان گرایی سوفسطائیان

- 1 - آنها شناخت را منحصرأ مربوط به انسان دانسته و معیار شناخت را نیز انسان قرار دادند.
 - 2 - بجای مباحث نظری و تئوری که در جامعه آتن آن روز باب شده بود، بیشتر به دنبال تعالیم عملی امور سیاسی، اجتماعی و حقوقی بودند.
- به نوعی به «قرارداد اجتماعی» در تشکیل جامعه اعتقاد داشتند

مکتب روسویی

- طبیعت خوب و تمدن بد است،
- همه انسانها بنا به طبیعت برابرند و فقط در اجتماع و در نتیجه وجود نهادهای طبقاتی نابرابر شده اند؛
- قانون اختراع قویترها برای زنجیر کردن و فرمانروایی بر ضعیفان است

مکتب نیچه ای

- طبیعت فراسوی خوب و بد می باشد و بنا به طبیعت همه انسانها نابرابرند.
- هنجارهای اخلاقی اختراع ضعیفان برای محدود کردن دایره عمل قویترها است،
- قدرت عالی ترین فضیلت و بالاترین خواست و آرزوی انسانهاست.

فصل سوم

سقراط و افلاطون

افلاطون

- «مفاسد نوع بشر هرگز نقصان نخواهد یافت مگر آنگاه که در شهرها فلاسفه پادشاه شوند یا آنانیکه هم اکنون عنوان پادشاهی و سلطنت را دارند براستی و جداً در سلک فلاسفه درآیند و نیروی سیاسی با حکمت توأمان در فرد واحد جمع شوند.»

اهداف مرحله ای

- شناخت عقاید سیاسی سقراط بویژه افلاطون
- به دیدگاههای سقراط نسبت به افکار سوفسطائیان خواهیم پرداخت، سپس به زمینه های شکل گیری عقاید افلاطون اشاره می شود.
- دانشجوی گرامی در این فصل با روش شناسی و آراء افلاطون در خصوص مدینه فاضله، نگرش او به انسان، جامعه و نحوه اداره آن آشنا خواهد شد.

هدفهای رفتاری

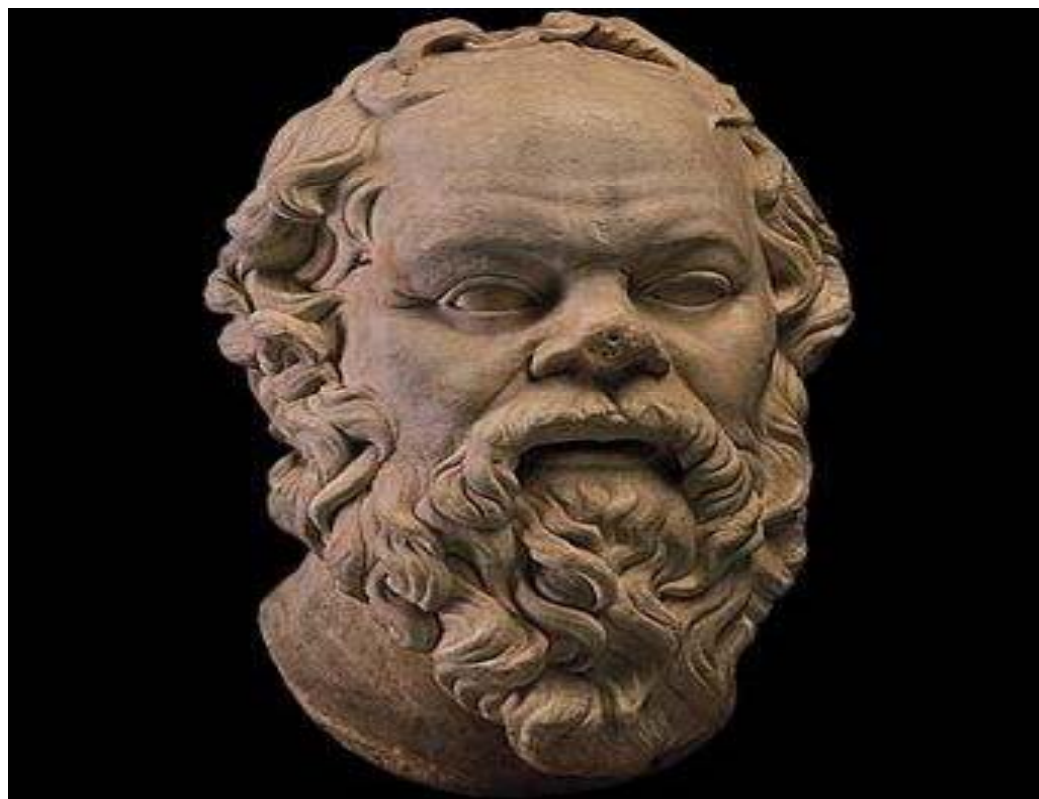
- 1- اشتراک و افتراق فکری سقراط و سوفسطائیان را بدانید.
- 2- روش دیالکتیک سقراط و مراحل آن را شرح دهید.
- 3- نگرش افلاطون به انسان و جامعه را بیان کنید.

هدفهای رفتاری

- 4- منظور افلاطون از نظام طبقاتی سه گانه و حکومت فلاسفه را بدانید
- 5- علت مخالفت افلاطون با دموکراسی و همچنین انواع حکومت از نظر وی را توضیح دهید.
- 6- نقش افلاطون در اندیشه های سیاسی غرب را بدانید.

سقراط

«داناترین فرد کسی است که می داند که نمی اند»



- سقراط به عنوان «پدر فلسفه» اسرارآمیزترین فیلسوف غرب محسوب می شود
- او حتی یک سطر هم ننوشته است. این موضوع باعث شده برخی او را «فیلسوف شفاهی» هم لقب داده اند. شناخت ما از نظرات و عقایدش به نوشته های شاگرد برجسته اش یعنی افلاطون بر می گردد

سقراط و سوفسطائیان

- عصر سقراط را می توان «دوره جدال سخت و سرنوشت ساز سنت گرایان و نوگرایان دانست.» که محور بحثهایش را انسان و اخلاق قرار داد.

سقراط و سوفسطائیان

- وجه مشترک عمده سوفسطائیان و سقراط تمرکز به انسان و جوامع بشری بود. با اینحال از نظر روش و اهداف با هم تفاوت‌های اساسی و معارض دارند.

فصل سوم **علل جدال دائمی سقراط و سوفسطائیان**

- از نظر سقراط هدف از آموزش و فلسفه پرورش روح و معرفت حقیقی و به نوعی رشد دانایی انسان و دوری از جهل است. این آگاهی از بیرون به انسان منتقل نمی شود، بلکه از درون انسان متبلور و رشد می کند،

فصل سوم **علل جدال دائمی سقراط و سوفسطائیان**

- از نظر سوفسطائیان هدف از آموزش کسب تواناییهای لازم به منظور توفیق در زندگی سیاسی و اجتماعی است

فصل سوم علل جدال دائمی سقراط و سوفسطائیان

- سقراط به یکسری اصول اخلاقی پایدار و فراگیر اعتقاد داشت.
- از نظر سوفسطائیان امور اخلاقی جنبه نسبی داشته و از زمانی به زمان دیگر و از جامعه ای به جامعه دیگر فرق دارد.

علل جدال دائمی سقراط و سوفسطائیان

- سقراط معتقد بود که وظیفه و رسالت اخلاقی یک فیلسوف نسبت به مردم جامعه اش از یکسو آگاه نمودن آنها از جهل و نادانی و از سوی دیگر تعلیم عقل، خرد و دانایی است بدون هیچگونه چشم داشتی

علل جدال دائمی سقراط و سوفسطائیان

- از نظر سوفسطائیان تعلیم دانش‌های گوناگون همانند عرضه کالای برای فروش است، بنابر این باید در مقابل آموزش از شاگردان دستمزد گرفت.

روش دیالکتیک سقراطی

- سقراط با استفاده از روش دیالکتیک یا جدل می توانست تاثیر عمیقی بر طرف مقابل بگذارد. دیالکتیک گفتگوی متشکل از شک و جدل برای جستجوی حقیقت در اذهان مغشوش بود.

مراحل روش دیالکتیک سقراطی در رساله های افلاطون

- 1- طرح و روبرو شدن باموضوع ومسئله
مورد بحث
- 2- شالوده شکنی، درهم شکستن و نشان
دادن ضعفها و تناقضات موضوع در ذهن
طرف مقابل
- 3- نویسازی اصولی و صحیح بنای درهم
شکسته ذهن

فصل سوم روش دیالکتیک «استهزایی سقراطی»

● **طریقه ای برای اثبات سهو و خطا و رفع شبهه از اذهان بود. با سؤال و جواب و مجادله خطای مخاطب را ظاهر می کرد و باز به همان ترتیب، مکالمه و سؤال و جواب را دنبال می کرد و به کشف حقیقت می کوشید.**

فصل سوم روش دیالکتیک «استقرایی سقراطی»

- سقراط در هر باب شواهد و امثالی از امور جاری عادی می آورد و آنها را دقیقاً مورد تحقیق و مطالعه قرار می داد و از این جزئیات تدریجاً به کلیات می رسید. پس از دریافت قاعده ای، کلیه آنها بر موارد خاص تطبیق می نمود و برای تعیین تکلیف خصوصی اشخاص نتیجه می گرفت.

فصل سوم دو محور اساسی فلسفه سقراط

1- دانش چیزی جز تذکر و یادآوری نیست.

2- سر چشمه تمام تباهکاریهای انسان نادانی و جهل است.

سیاست و سقراط

● وی از یک سو بدلیل مخالفت با اصول دموکراسی و تاکید بر اطاعت از قانون و حاکمیت اریستوکراسی یک محافظه کار محسوب می شود و از سوی دیگر بواسطه تاکید بر فردگرایی خاص خود به عنوان یک انقلابی رادیکال تلقی می گردد. همین امر موجب ستیز توأمان سقراط با دمکراتها و سوفسطائیان می شد.

سیاست و سقراط

● او معتقد بود زمانی که محدودیتهای اخلاقی و دینی برداشته می شود، هر یک از شهروندان آزاد می شوند هر کاری که خواستند انجام دهند؛ و آموزش و تربیت به جای شفا دادن جامعه سبب بدتر شدن تضادها و کشاکشهای اجتماعی می شود.

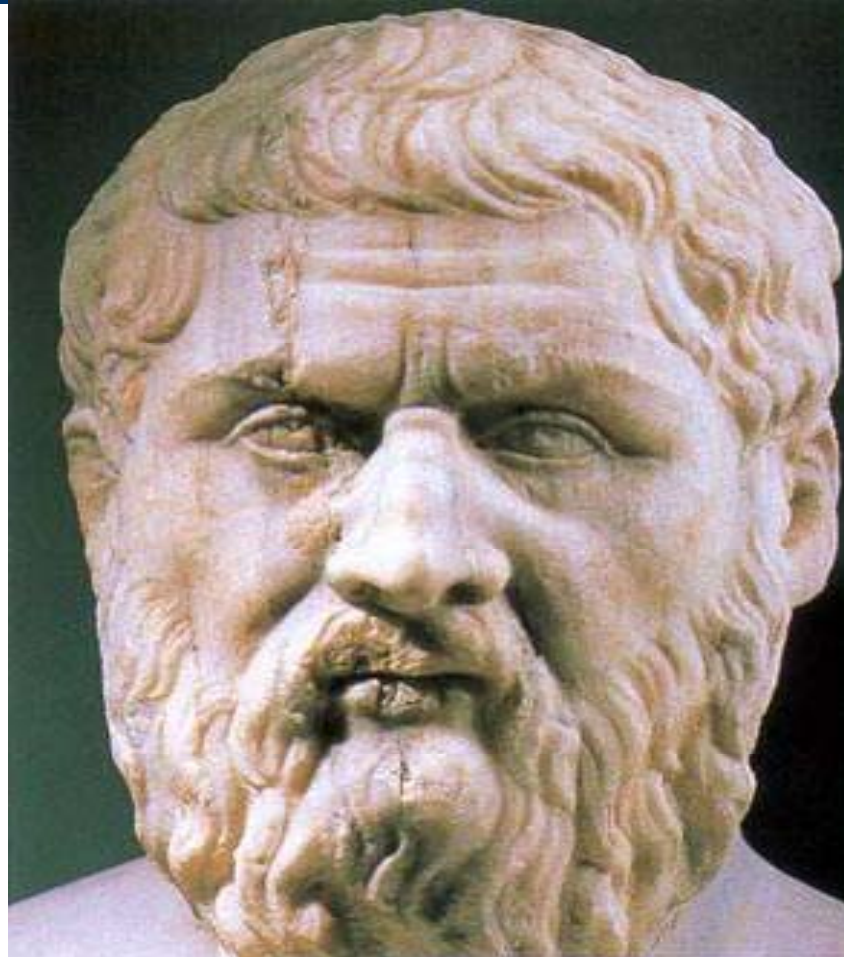
● «او دشمن دموکراسی بود»

فصل سوم فلاسفه یونان باستان پس از سقراط

- 1- سقراطیان کوچک شامل مکاتب
مگاریان و کورنه ایها و کلیون
- 2 - سقراطیان بزرگ شامل دو مکتب
آکادمی افلاطونی و لیسیوم ارسطوی

افلاطون

فصل سوم



افلاطون

- اریستوکلس از اشراف و خانواده اش از شهروندان متنفذ آتن محسوب می شد مسلمانان نیز پس از ترجمه آثار یونانیان به او افلاطون نام نهادند.

افلاطون

فصل سوم

● افلاطون زندگی پرماجرا و عجیبی داشت. از شاگردی در محضر سقراط گرفته تا استادی ارسطوی بزرگ، مشاور پادشاه تا اسیری و بردگی، و در نهایت مؤسس و ریاست اولین دانشگاه جهان تا یکی از بزرگترین فیلسوفان غرب.

فصل سوم زمینه های شکل گیری اندیشه سیاسی افلاطون

- افلاطون علاقمند به مشارکت در فعالیتهای سیاسی بود ولی شرایط آن عصر از جمله اعدام استاد و بحرانهای سیاسی و اجتماعی آتن که مدیریت صحیح سیاسی جامعه چندان سهل نبود و تمام اشکال نظام های سیاسی فاسد و بد بودند. در واقع مدینه فاضله پاسخ به بحرانهای موجود در جامعه آتن می باشد

فصل سوم زمینه های شکل گیری اندیشه سیاسی افلاطون

- افلاطون تاثیرپذیری عمیقی از استادش داشت به تعبیر خود «فلسفه اش ناشی از حکمت سقراطی» بود.

- اندیشه های افلاطون تلفیقی از اخلاق سقراطی، خردگرایی هراکلیتوسی، عرفان اورفئوسی فیثاغورس، منطق استدلالی پارمیندوس و سنتها و میراثهای باقی مانده از جامعه یونان می باشد.

مراحل آثار افلاطون

- 1- دوره جوانی «محاورة های سقراطی»
- 2- دوره انتقالی
- 3 - دوره کمال و میانسالی: «جمهور» به عنوان مهمترین اثر افلاطون می باشد. اهمیت این دوران طرح اندیشه «مدینه فاضله» است.
- 4- دوره کهولت یا پیری: رساله ای نگاشت به نام «تیمائوس» که در باره طبیعت می باشد.

آثار سیاسی افلاطون

- سه اثر شامل جمهور، قوانین و سیاستمدار.
- جمهور: به نوعی می توان آن را حکومت یا جامعه و شهر ترجمه کرد. افلاطون در این کتاب به دنبال طرح جامعه آرمانی خود بوده و شاید هم خود می دانسته تحقق چنین جامعه ای در آن شرایط امکانپذیر نیست به دنبال طرح یک الگو و نمونه عالی از جامعه است. بدیعترین نظرات و آرمانهای وی در باب اخلاق، فلسفه، تعلیم و تربیت بویژه سیاست را می توانیم در آن مشاهده نمایم

- شناخت و معرفت ما نسبت به جهان دو گونه می باشد:
- الف) معرفت سطحی
- ب) معرفت علمی

سرشت انسان

فصل سوم

- فرد جدای از جامعه قابل درک و تصور نیست. جامعه در چنین حالتی جنبه اجباری یا تحمیلی نسبت به فرد نداشته و فرد در چنین وضعیتی فردیت خود را درمی یابد.

سرشت انسان

- روح یا همان نفس دارای سه نیروی اساسی شامل میل ، اراده و عقل است این سه نیرو برانگیزاننده انسان در کل اعمال و رفتارش می باشد. فرق اساسی انسانها باهم در نحوه استفاده از این سه نیروی برانگیزاننده است.

منشا و خاستگاه جامعه

- افلاطون ضمن طرح «دولت قانونی» . برای اولین بار موضوع «طبیعی بودن اجتماع انسانی» یعنی شهر و جامعه را مطرح می کند.

منشا و خاستگاه جامعه

- آنچه باعث تشکیل جامعه یا شهر می شود به «طبیعت انسان اجتماعی» برمی گردد.
- به منظور حفظ نظم و امنیت اجتماع لزوم ظهور طبقه ای به نام «نگهبانان» احساس می شود.

طبقات اجتماعی

- 1 - طبقه اول فرمانروایان
- 2 - طبقه دوم نگهبانان و یاوران
- 3 - طبقه سوم خیل عظیم وگسترده توده-
های مردم

نقش عدالت در فرد و اجتماع

- افلاطون آن را یکی از فضایل چهارگانه (عدالت، فرزاندگی، دلیری و خویشتنداری) مورد احترام یونانیان می داند
- افلاطون به لحاظ داشتن همین عقیده شاید نخستین فیلسوف غرب بوده که ضرورت تخصص در پیشه ای واحد و زیانهای «چندکارگی» را بیان کرده است.

- عدالت در نظر افلاطون بخشی از فضیلت انسانی و در همان حال رشته ای است که مردمان را در داخل دولتها به هم پیوند می دهد. به عبارت دیگر خصلتی است که در آن واحد هم انسان را خوب می سازد و هم او را اجتماعی بار می آورد.

تعلیم و تربیت

- حکومت کردن چیزی جز تربیت کردن نیست، و تربیت هم در مرحله آخر چیزی نیست جز پروراندن فضایی در وجود اتباع کشور که به حکم طبیعت استعداد و آمادگی پذیرفتش را دارند

تعلیم و تربیت

- از نظر افلاطون موضوع تعلیم و تربیت به قدری مهم است که باید ضرورتاً در دست دولت باشد چرا که نظام آموزش و پرورش مناسب می تواند با تربیت افراد، جامعه را به سر منزل مقصود هدایت نماید

وظایف حکومت در قبال جامعه

● از نظر افلاطون حکومت دو وظیفه اساسی در قبال جامعه دارد:

- 1- حفظ امنیت و تشکیلات جامعه
- 2- بوجود آوردن شرایط مناسب برای تهذیب نفس و به درجه کمال رساندن شهروندان

مراحل تعلیمات

الف) مرحله اول آموزش مقدماتی است شامل تعلیمات عمومی حساب، هندسه، نجوم

ب) از سن 20 تا 30 سالگی تعلیمات علمی ادامه می یابد. آموزش از جنبه های حسی به عقلی و استدلالی تبدیل می شود

ج) سخت ترین و مهمترین مرحله تعلیم و تربیت می باشد. از سن سی سالگی با حضور تعداد اندکی از دانشجویانی که موفق به گذراندن دوره های آموزشی قبل خود شده اند، آغاز می شود

حکومت فلاسفه

● به عقیده او «مفاسد نوع بشر هرگز نقصان نخواهد یافت مگر آنگاه که در شهرها فلاسفه پادشاه شوند یا آنانیکه هم اکنون عنوان پادشاهی و سلطنت را دارند براستی و جداً در سلک فلاسفه درآیند و نیروی سیاسی با حکمت توأمان در فرد واحد جمع شوند.»

نظام اشتراکی خانواده و مالکیت

- طرح نظام اشتراکی خانواده و مالکیت برای این دو طبقه (فرمانروایان و یاوران) است که برخی از اندیشمندان از آن به عنوان «تئوری کمونیستی افلاطون» یاد میکنند

نظام اشتراکی خانواده و مالکیت

- این دو طبقه حاکم نباید زنان و فرزندان و اموال شخصی داشته باشند. آنان باید همه زنان و فرزندان جامعه را از آن خود دانسته و مدعی نباشند

سیاستمدار و قوانین (نوامیس)

- قوانین: در این رساله برغم تاکید مجدد بر حکومت فیلسوفان سعی می کند، قدرت مطلق آنها را کاسته و مهمتر اینکه اصل مالکیت را، البته بصورت مهار شده محترم می شمارد.

سیاستمدار و قوانین (نوامیس)

- شخصیتهای این رساله سه نفر از مردان باتجربه، جهان دیده و پیر سیاست است
- رعایت قوانین و مقررات ضروری است.

انواع حکومت

- الف- حکومت مدینه فاضله
- ب- حکومت‌های غیر فاضله که خود به چهار دسته تقسیم می‌شوند.

حکومت‌های غیر فاضله

- 1- حکومت تیموکراسی یا تیمارشی
- 2- حکومت اولیگارشی
- 3- حکومت دموکراسی
- 4- حکومت تیرانی

حکومت یک نفر

● موناشرشی، (پادشاهی) فرمانروایی یک نفر قانونگرا،

● تیرانی، (ستمگری) حکومت یک نفر جبار بدون وجود قانون که بدترین نوع حکومت است.

حکومت عدهٔ قلیل و معدود

- - آریستوکراسی، (اشراف سالاری)
فرمانروایی قانونگرای چند نفر،
- - اولیگارشی، فرمانروایی عده ای معدود
بی اعتنا به قانون (بدترین نوع حکومت‌های
عده ای محدود)

فصل سوم حکومت عامه یا اکثریت مردم

● دموکراسی: حکومت تعداد زیادی از مردم که بر مبنای قانون است.

● آنارشی: حکومت هرج و مرج و افراطی عامه مردم که به قانون بی اعتنا هستند.

● خاستگاه طبقاتی وی

● وی تغییر و دگرگونی را تباهی می داند.

● حکومت دموکراسی از همه حکومتها، بی ثبات تر، ناتوانتر و ناپایدار تر است.

● اعدام استاد فرزانه اش یعنی سقراط

فصل سوم ایرادات افلاطون به د مکراسی

- توده مردم به عقیده او در امور سیاسی از دآوری درست ناتوانند.
- رهبران، همگی از نیکان نیستند و به ایشان اعتماد نتوان کرد که همیشه بهترین تصمیمها را بگیرند.
- آزادی

فصل سوم تأثیر افلاطون بر اندیشه‌های سیاسی

- آلفرد وایتهد: «فلسفه پس از افلاطون چیزی جز حاشیه بر افکار او نیست»
- او را می‌توان بنیانگذار «فلسفه سیاسی» دانست.
- پوپر افلاطون را اصطلاحاً «مهندسی سراب‌گرا و بسیار خطرناک» می‌نامد.

تأثیر افلاطون بر اندیشه های سیاسی

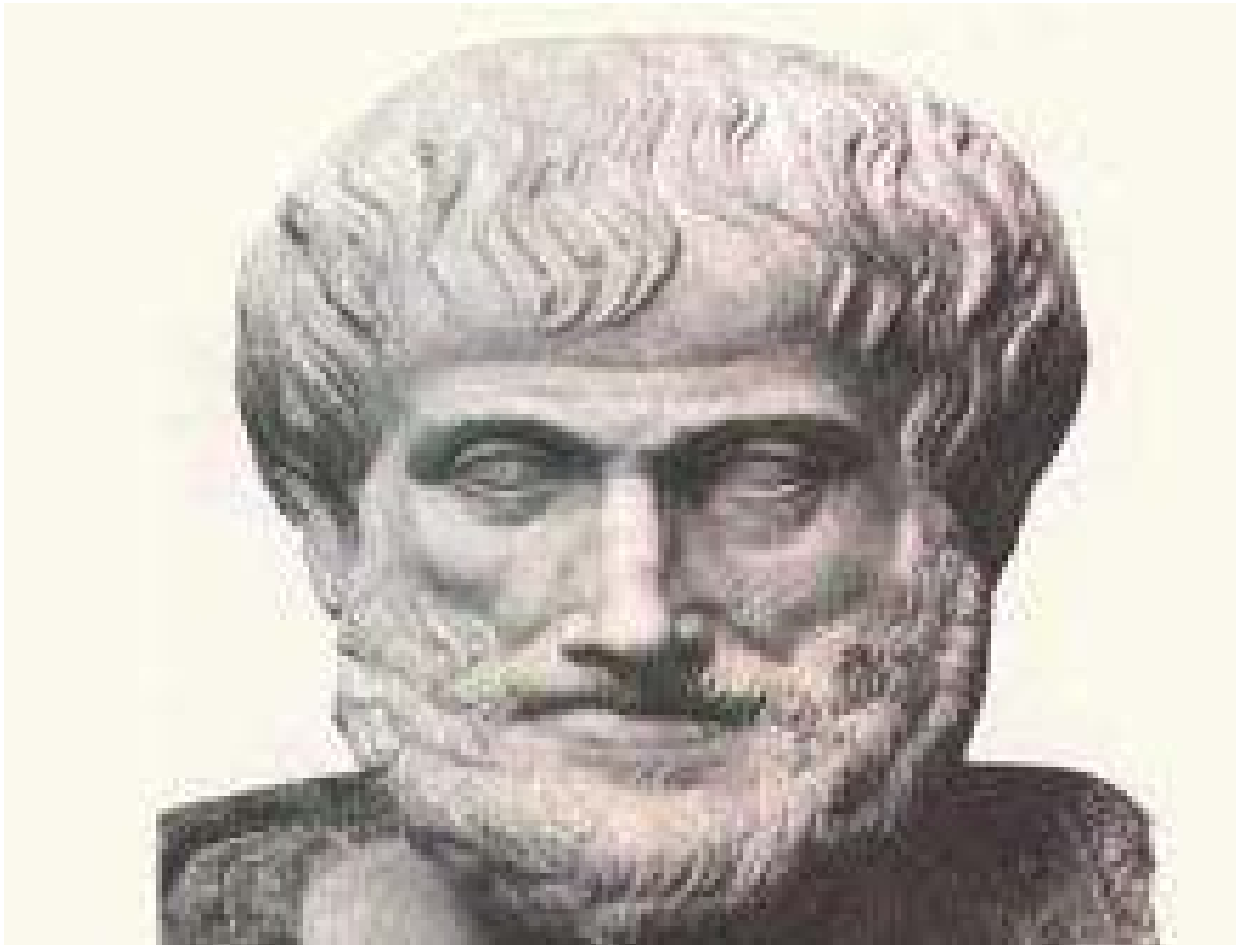
- **فارینگتون: افلاطون نه فقط هیچ خدمت مستقیمی به پیشرفت علم تحقیقی نکرد، بلکه آنرا از ترقی باز داشت.**

تأثیر افلاطون بر اندیشه های سیاسی

- نتیجه: سقراط و تفکر افلاطونی را پایه گذار عقل گرایی علم و ویران کننده فرهنگ یونانی می داند .

ارسطو

فصل سوم



فصل سوم اهداف رفتاری و آموزشی

- 1- مراحل سه گانه حیات فکری ارسطو را بدانید.
- 2- ویژگیهای روش شناسی ارسطو را بیان نماید
- 3- علل چهارگانه ارسطو در ارتباط با تأسیس دولت را بیان کنید.
- 4 - نظریات ارسطو در ارتباط با بندگی و مالکیت خصوصی را بدانید.

فصل سوم اهداف رفتاری و آموزشی

- 5- نظریات ارسطو در ارتباط با بندگی و مالکیت خصوصی را بدانید.
- 6 - وجوه اشتراک و افتراق آراء ارسطو با افلاطون را بدانید.
- 7- تأثیر اندیشه های ارسطو در ظهور و تقویت بنیادهای علم سیاست را بدانید

زندگانی و آثار ارسطو

● در شهر استاگیرا واقع در مقدونیه متولد شد.

● دوره شاگردی در محضر افلاطون از مهمترین مراحل زندگی فکری وی محسوب می شود

مراحل حیات فکری ارسطو

دوره اول: دوره شاگردی ارسطو در آکادمی
(17 سالگی تا 37 سالگی)

دوره دوم: این دوره با مرگ افلاطون و مهاجرت
ارسطو از آتن به آسوس آغاز می شود

دوره سوم: کشته شدن فیلیپ مقدونی و بازگشت
ارسطو به استاگیرا

فصل سوم از نظر ارسطو حکمت و علوم بشری

- 1- حکمت نظری که مسلمانان بجای متافیزیک از الهیات استفاده می کنند.
- 2- حکمت عملی شامل اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدون.
- 3- حکمت ذوقی شامل شعر، خطابه و جدل .

- وی نخستین فیلسوفی است که نحوه تدریس و ترکیب و ترتیب آثارش معلم وار مختص تعلیم شاگردانش بود.
- روش شناسی ارسطو بر دو محور اساسی برهان و استقراء متکی بوده است.

ویژگی سبک آثار ارسطو

- آثار ارسطو به صورت دست نوشته‌های بدون ویراستاری شده از نظر ادبی بوده است.
- بیان و نقد نظریات پیشینیان می باشد .
- در تحلیل مسائل اجتماعی و پدیده های طبیعی دارای دیدگاه جزء نگر و استقرایی است.

- «اعتدال و میانه روی» .
- اعتقاد به «صیروت» و یا اصل بسیار مهم «تبدیل قوه به فعل» .
- ارسطو در تحلیل پدیده های سیاسی و اجتماعی «واقع گرا» بود..

انسان به عنوان موجودی سیاسی

- موجودیت انسان به مدنی الطبع بودن او بر می گردد.
- محیط سیاسی، محیطی اخلاقی نیز هست.

انسان به عنوان موجودی سیاسی

- افراد در تنهایی و انزوا نمی توانند به «زندگی خوب» نایل شوند.
- استعداد انسان تنها از طریق مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی محقق می شود.

خاستگاه جامعهٔ سیاسی

- برای مطالعهٔ خاستگاه جامعهٔ سیاسی
«بهترین روش پژوهش، بررسی جریان
رشد همه چیزها از آغاز است.»

- نخستین اجتماع «خانواده» است که از ترکیب «زن و مرد» شکل گرفته و با گسترش خانواده ها «دهکده» شکل می گیرد.

خاستگاه جامعهٔ سیاسی

- از ترکیب چند دهکده، جامعهٔ سیاسی کامل تر یعنی شهر یا «پولیس» تشکیل می شود
- شهر مرحلهٔ غایی انسان سیاسی است این فرایند یعنی ترکیب زن و مرد تا مرحلهٔ برترین خیر یعنی شهر امری طبیعی است
- «خیر همگان باشد، نه خیر اقلیت یا اکثریت».

علل چهارگانه جامعهٔ سیاسی

- - علت مادی
- - علت صوری
- - علت غایی
- - علت فاعلی

اجتماع کامل چند ویژگی اساسی دارد:

- میزان جمعیت
- از نظر اقتصادی
- حدود و اندازه وسعت
- حفظ نظم و امنیت شهروندان و توجه به تربیت اخلاقی، بهروزی و سعادت
- برقرار نمودن ارتباط بین قانون، طبیعت و انسان

فصل سوم دلایل اهمیت آموزش و پرورش کودک

- آموزش و پرورش شهروندان هر حکومت باید به شیوه ای متناسب با مبانی و اصول آن حکومت انجام پذیرد
- هرگونه توانایی و هرگونه هنری به تربیت و ممارست نیاز دارد

اشکال حکومتها

الف) چه کسی و یا چه کسانی فرمانروایی می کنند؟

ب) چه کسی یا کسانی از فرمانروایی سود می برند؟

حکومت‌های یک نفری

- حکومت پادشاهی
- حکومت تیرانی یا تورانی

فصل سوم

حکومت چند نفر

- حکومت آریستوکراسی
- حکومت الیگارشی

حکومت تعداد کثیری

- حکومت ديمقراسی
- حکومت پولیتی یا جمهوری

فصل سوم ارسطو و انواع دموکراسی

- 1 - همه را برابر و هم شأن می شمرد.
قانون تهیدستان را از توانگران برتر
نمی داند.
- 2 - داشتن اندازه معینی از ثروت
- 3 - هر شهروندی که از نظر تبار عیب و یا
مشکلی نداشته باشد.

ارسطو و انواع دموکراسی

فصل سوم

4 - هر شهروندی می تواند حق احراز

مناصب حکومتی را داشته باشد

5 - «دماگوجیا»

فصل سوم ویژگی اساسی «دماغوجیا»

- سست بودن بنیانهای قانون
- حضور چاپلوسان و عوام فریبان در حکومت
- تأثیر پذیری زیاد توده های عوام از عوام فریبان
- استبداد اکثریت

حکومت طبقه متوسط

- در هر کشوری مردم بر سه گروه اند: آنان که بسیار توانگرند، آنان که بسیار فقیرند و آنان که میان این دو گروه اند.

حکومت طبقه متوسط

- مردم طبقه متوسط کمتر سودای نام و جاه در سر دارند.
- برای هر کشور سعادت بزرگی است که افرادش دارای ثروت متوسط و کافی باشند.

انقلاب و دگرگونی سیاسی

● انواع انقلاب :

- 1 - گاه انقلاب در سازمان حکومت رخ داده و هدف از آن دگرگونی در شکل نظام سیاسی و حکومت است. «انقلاب اجتماعی»

- 2 - گاه مقصود تغییر در هیات حاکمه بوده و صرفاً رهبران سیاسی جابجا می شود «انقلاب در قصرها» «انقلاب سیاسی» یا «انقلاب از بالا»

علل انقلاب

فصل سوم

الف) علل عمومی انقلاب
ب) علل خاص انقلاب

علل خاص انقلاب در حکومت‌های دمکراسی

- علت گستاخی و ستیزه جویی مردم فریبان است.
- یا به توانگران تهمت های دروغ می بندد و یا آن که توده مردم را آشکارا بر ضد ایشان برمی انگیزند

فصل سوم علل خاص انقلاب در نظام الیگارشسی

- گاهی ستمگری فرمانروایان با توده مردم موجب انقلاب می شود و اکثر قیامها توده ای است.
- زمانی هم قیام در بین توانگرانی که از حکومت محروم باشند صورت می گیرد. و یا قیام از سوی نخبگان غیر حاکم صورت می گیرد.

فصل سوم علل خاص انقلاب در اریستوکراسی

- 1 - علت حصر مناصب و امتیازات حکومت به گروهی کوچک است،
- 2 - از جماعت مردم بلندتبار، گروهی در نعمت بیکران به سر برند و گروه دیگر در فقر شگرف.

علل خاص انقلاب در تیرانی

- تضعیف آنها در صورت شکست در یک جنگ با نیروی خارجی موجب انقلاب می شود.

فصل سوم علل خصوصی انقلاب در حکومت مونارشی یا پادشاهی

- بیشتر عوامل داخلی همچون، ستم و تحقیر مردم، اختلاف در هیات حاکمه، خودکامگی و در نهایت بر تخت حکومت نشستن فرزندان بی لیاقت و ناشایست بجای پدر سبب ظهور انقلاب می شود.

نظام خانواده و مالکیت

- از نظراو خانواده متشکل از دو گروه عمده بردگان و آزادگان می باشد که رابطه آنها :
 - 1- رابطه خدایگان و بنده
 - 2- رابطه همسری (شوی و زن)
 - 3- پدری (پدر و فرزندان)
- «فن به دست آوردن مال»

نظرات اقتصادی ارسطو

1- وی بنده و برده را امری طبیعی و جزء اموال و ابزار زنده می داند.

2- اینکه ثروت هدف نیست بلکه وسیله ای برای تبلور فضیلت در انسان است.

نظرات اقتصادی ارسطو

فصل سوم

- 3 - راه بدست آوردن ثروت دو گونه است:
- الف - فن طبیعی مال اندوزی (کشاورزی)
- ب - فن غیر طبیعی مال اندوزی
(بازرگانی و تجارت)

فصل سوم افتراق و اشتراک افکار ارسطو و افلاطون

- برخی افلاطون را آرمانگرا و ارسطو را فیلسوفی واقع گرا می دانند.
- برخی ارسطو را بزرگترین افلاطونگرا می دانند.

نقاط اشتراک

- شباهت محیطی آنها بگونه ای است که هر دو محور بحثهای خود را واحد سیاسی یعنی دولت شهر قرار داده اند.
- دولت شهر آنها خودکفا، محدود از نظر وسعت و دارای جمعیت معین بود.

نقاط اشتراک

- هر دو متفکر نظام بندگی و برده داری را امری طبیعی و عادی می دانستند.
- هر دو نظام اقتصادی بر محوریت کشاورزی را مطلوب دانسته و در مقابل با اقتصاد بازرگانی و سوداگری مخالف بودند.

نقاط اشتراک

- هر دو به اریستوکراسی با دیده احترام نگریسته و در مقابل مخالف دمکراسی توده ای بودند.
- هر دو اعتقاد داشتند بین سیاست و اخلاق پیوندی ناگسستنی وجود دارد و برای بقای حکومت به سه عامل مهم عدالت، اخلاق و دین تأکید داشتند.

نقاط اشتراک

- هر دو اندیشمند خاستگاه جامعه سیاسی را بر اساس نیازهای انسان امری کاملاً طبیعی میدانند.
- هر دو وظیفه دولت را آموزش فضایل اخلاقی می دانستند.

نقاط افتراق

- از نظر روش شناسی ارسطو متمایل به روش استقرائی بوده ولی افلاطون روش قیاسی داشت
- ارسطو بر خلاف افلاطون هیچ وقت به دنبال جامعه آرمانی و ناکجاآباد نبود.
- ارسطو بشدت مخالف بدعت‌های افلاطون از جمله اشتراک در اموال و خانواده بود

نقاط افتراق

- ارسطو برای رهبری جامعه اعتقادی به فیلسوف شاه نداشت. و معتقد بود حکمت عملی بیش از حکمت نظری بکار سیاستمدار می آید.

نقاط افتراق

- ارسطو مخالف نظریه معروف مُثُل بوده
- ارسطو بر دانش محسوسات و مشاهده تکیه داشت؛ در مقابل افلاطون دانش محسوسات را سطحی میدانست.

- 1 - وی انسان را موجودی سیاسی می داند،
- 2 - وی با تلفیق اخلاق و سیاست سعی می کند رهبری جامعه را بر محوریت عقل و خرد استوار سازد.
- 3 - هدف علوم سیاسی، خیر انسانهاست. از این رو جایگاه علم سیاست «دانشی ارجمند و از علوم برتر» است.

ارسطو و علم سیاست

فصل سوم

- پولوک : «علم سیاست از ارسطو شروع می شود»
- بریان ردهد : «علوم سیاسی به دست ارسطو آفاقی بس گشاده تر می یابد» ارسطو مؤسس علوم سیاسی و همچنین مطالعه ترکیبی فلسفه و سیاست بود.»
- هیوم : «شهرت ارسطو دیگر پژمرده است»

فصل چهارم

مکاتب عصر یونانی مآبی

هدفهای مرحله ای

فصل چهارم

- در این فصل به مکاتبی که در عصر یونانی مآبی در عرصهٔ سیاسی و اجتماعی ظهور کرده اند اشاره می رود و همچنین با توجه به اهمیت و فراگیری این مکاتب دو مورد از آنها یعنی مکتب اپیکوریان و رواقیون مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

هدف رفتاري

- 1- دلایل ظهور و رشد این مکاتب را در آن عصر بنویسید.
- 2- تعالیم و اندیشه های سیاسی و اجتماعی اپیکوریان را بدانید.

هدف رفتاري

- 3- ضمن تقسیم رواقیون به سه دوره، تفاوت این سه حوزه را باهم بدانید.
- 4- با اصول اساسی افکار و اندیشه های رواقیون آشنا شوید..

هدف رفتاري

- 5- دلایل پذیرش اندیشه های مکتب رواقیون در روم را شرح دهید
- 6- نظر سیسرون در ارتباط با انسان، جامعه و حقوق طبیعی را بدانید.
- 7- با طرح حکومت آرمانی و مختلط سیسرون آشنا می شوید.

مکاتب و جریانه‌های فکری و فلسفی یونان پس از ارسطو

- 1 - مکتب آکادمی (افلاطون گرایان) در آتن
و مکتب نوافلاطونیان در اسکندریه با
درخشش افلوپین
- 2- مکتب لیسیوم (ارسطوگرایان)

اپیکوریان

● «اپیکورگرایی» به معنای توجه تام به تمنیات جسمی است، به همین دلیل برخی مکتب وی را «مکتب اصالت لذت» نیز عنوان نموده اند.

● دو بعد مهم طبیعت انسانی: «دوری از رنج و کسب لذت»

مکتب اپیکوری

- «کسب حداکثر سعادت برای حداکثر افراد جامعه»
- اپیکور با تلفیق نظریه اتمی دموکریت و نظریه صیروت دائمی هراکلیت نظریه ماده گرایی تکاملی را پدید آورد. دموکریت مادی گرا جهان را متشکل از اتمهای بی نهایت می دانست و معتقد بود لذت و درد نقش مهمی در زندگی انسان بازی می کند.

فصل چهارم اصول اساسی سیاسی و اجتماعی اپیکور

- «قرارداد اجتماعی»
- شیوه پرهیز از سیاست
- دوری از ترس و نگرانی
- «دوری از درد و در مقابل کسب لذت بیشتر»
- مقصد اصلی زندگی کسب لذت است.

رواقيون

● متفكرين اين مكتب به سه دسته تقسيم
نمايند:

- 1- رواقيون دوره قديم (بعد از سقراط)
- 2- رواقيون دوره ميانيس
- 3- رواقيون دوره رومي

اصول عقاید رواقیون

فصل چهارم

- با طبیعت زیستن و دنبال فضیلت فردی بودن از مختصات اخلاقی رواقیون است.
- بین لذت و رنج تفاوتی وجود ندارد،
- نگرش «محافظه کارانه به همراه تسلیم و رضایتمندی در مقابل جبر زمانه و حکومت»

اصول عقاید رواقیون

فصل چهارم

- «زیستن بر اساس طبیعت»
- «اقتسابی بودن علم و فضیلت»
- «اصل برابری و یگانگی انسانها»
- «دیدگاه جهان وطنی»

فلسفه اجتماعی و سیاسی رواقیان

- 1 - نظریه قانون طبیعی
- 2- اهمیت اخلاقی و زندگی اجتماعی انسان
- 3 - «جهان میهنی»

فرمول اخلاقی رواقیون

« امیال خود را تابع اراده نموده و اراده را
مطابق عقل نماید »

عوامل رشد و بالندگی روم

- دگرگونی نظام دولت شهر به جمهوری و توسعه قلمرو
- ثبات سیاسی و اجتماعی در طول دو قرن صلح و آرامش

عوامل رشد و بالندگی روم

- رفاه حاصل از سرازیر شدن ثروت به روم
- جذب فرهنگ یونانی
- گسترش تدریجی رویکرد جهان وطنی
- نقش نظام برده داری



فصل چهارم دو اصل نظام جدید امپراطوري

- دیکتاتوری که به موجب آن می بایست اختیارات حکومتی را به یک تن یک دیکتاتور نظامی سپرد

فصل چهارم دو اصل نظام جدید امپراطوري

- توسعه طلبی که به موجب آن می بایست حکومت مطابق طرحی منظم به کشورگشایی پردازد و برای هزینه های روزافزون ارتش، غنائم و عواید جدیدی به دست آورد.

علت عظمت و شکوفایی جمهوری روم از نظر "پولیبیوس"

- شکل حکومت روم تلفیقی از شیوه های پادشاهی، اولیگارشسی و دموکراسی است.
- در این شکل از حکومت، شخص «کنسول» نقش «پادشاهی» را ایفا می کند، «مجلس سنا» نمایانگر عنصر حضور «طبقه اشراف» بوده و در نهایت «مجلس عوام» که محل حضور «شهروندان» متعدد می باشد نمایانگر «نظام دموکراسی» است.

- 1 - انسانهای ابتدایی ناآگاهانه به صورت جمعی می زیستند و حیوان وار از قویترین افراد، فرمان می بردند.
- 2 - قبول و حمایت مردم از اموری که موافق مصالح گروهی آنان بوده، موجب مفاهیم اخلاقی می شود.
- 3 - همدردی مبنای ذهنی روابط اجتماعی است.

- 4 - برای حفظ اعتدال و تعادل حکومت، باید آن را به وسیله یک سلسله نهادها تحت کنترل و نظارت قرار داد
- 5 - تاریخ روند دوره ای داشته و بدین طریق اشکال متعدد حکومت به صورت ادواری و مکرر تکرار می شود.

1- خواهان احیاء سنت ها و نهادهای سیاسی جمهوری بود. او معروف به «پدر میهن» شد.

2 - در طرح موضوعات مهمی همچون قانون طبیعی و برابری انسانها تحت تأثیر آراء اندیشه های رواقیون بوده است .

**3 - آراء سیاسی افلاطون و ارسطو تأثیر
مستقیمی در اندیشه های اوبویژه در
طرح منشاء و خاستگاه جامعه سیاسی
داشتند .**

فصل چهارم برابری انسان در قانون طبیعت

- تابعیت انسانها بر محور قانون ازلی و جاودانه طبیعی موجب می شود همه آنها در قالب یک دولت جهانی قرار گیرند.

برابری انسان در قانون طبیعت

- از اصل برابری انسانها به اصل مهم وحدت و یگانگی جوامع بشری می‌رسیم.
- «اگر عادات و افکار نادرست متأثر از امیال منحرف نبود هیچ چیز آنقدر بنوع خود شبیه نمی‌بود که افراد بشری با یکدیگر شباهت دارند.»

- گروه اول دلیل اساسی تشکیل جامعه به ضرورت همکاری و دفاع مشترک در مقابل مصائب و مشکلات برمی گردد.

- گروه دوم تشکیل جامعه را به غریزه و طبیعت اجتماعی بودن انسان نسبت می دهند.
- به نظر سیسرون بدون وجود زندگی جمعی و تشکیل جامعه، امکان تحقق امر مهم عدالت و خیر و فضیلت میسر نیست

فصل چهارم تبعات و نتایج دولت از نظر سیسرون

- 1 - اتوریته دولت نیز ناشی از مردم است.
- 2 - اگر این اتوریته و قدرت سیاسی بحق و از طریق قانون اعمال شود در واقع همان قدرت وحدت یافته تک تک مردم است
- 3 - دولت و قانون حاکم بر آن باید همیشه تابع قانون الهی، اخلاقی و طبیعی باشد.

نظریه قانون طبیعت

- قانون طبیعی نتیجه موقتی و متنوع است اولاً از عقل و حکمت الهی ناشی شده است، ثانیاً جاودانه، ازلی و فراگیر برای تمام جهان است.
- «قانون عالیترین مظهر عقل است که در طبیعت انسانی سرشته شده است»

نمونه آرمانی دولت

- خاستگاه دولت و وظایف آن و عدالت از قانون طبیعی سرچشمه می گیرد دولت ایده آل وی از تئوری قانون طبیعی اش نتیجه می گیرد.

نمونه آرمانی دولت

- او معتقد است که دولت روم پیش از سقوط به ورطه فساد و انحطاط، نمونه ی یک دولت ایده ال بوده است.

سنکا (سرشت انسان)

- مخالف بردگی ذاتی انسانها و اعتقاد به برابری انسانها
- فضیلت از آن روحی است که پرورش و آموزش گرفته است
- بهترین و خردمندترین مردم به صورت پدرانۀ فرمانروایی می کردند

منشأ دولت

- به نظر وی در عصر طلایی که انسانها به شیوه بسیار ساده و بر اساس سرشت و قواعد طبیعت زندگی می کردند، نیازی به مالکیت خصوصی نداشتند.

منشأ دولت

● دولت نتیجه نهایی شرارت و فساد انسان است .

● دولت = زیاده خواهی و شرارت انسان +
پیدایش مالکیت خصوصی + (عصر طلایی)

سنکا و مسیحیت

- سنکا سه سال قبل از میلاد مسیح متولد و در اوج دعوت حضرت مسیح در امپراطوری حضور فعال داشته است.

سنکا و مسیحیت

- طرح برابری انسانها، عدالت، قانون طبیعی و منشأ الهی حکومتها از سوی رواقیون بویژه سنکا موضوعاتی بود که بعدها توسط آباء کلیسا مورد استفاده قرار می گیرد.

فصل چهارم

بخش دوم

اندیشه های سیاسی غرب در قرون
وسطی

فصل ششم

نگاهی به تفکر در قرون وسطی

اهداف مرحله ای

- آشنایی باانتقال اندیشه های غرب از عصر باستان به قرون وسطی. بر این اساس در این فصل ضمن بررسی ویژگیهای کلی تفکر در قرون وسطی، به مختصات اندیشه سیاسی این عصر خواهیم پرداخت.

اهداف رفتاری

- 1- ویژگیهای کلی تفکر در قرون وسطی را بنویسد.
- 2- سه دوره فکری قرون وسطی را توضیح دهد.
- 3- منظور از اقتدار سیاسی کلیسا در این عصر را بداند.
- 4- دو رویکرد کلی تفکر یعنی ایمان گرایان و عقل گرایان قرون وسطی را توضیح دهید.



قرون وسطی

● «قرون وسطی» یا «قرون میانه» تلقی می شود. عصری که میان دو مرحله مهم دیگر یعنی عهد باستان و عصر جدید قرار گرفته است.

● مراحل فکری غرب را به سه دوره باستان، قرون وسطی و عصر جدید تقسیم می کنند.

سه دوره مراحل فکری غرب

- باستان : «معجزه یونانی»،
- عصر جدید : «دوره تفکر عقلی به محوریت اصالت انسان»
- قرون وسطی: «عصر ظلمت و افول اندیشه و فرهنگ غرب»

فصل ششم سه دوره قرون وسطی «هالینگ دیل»

- سالهای پیش از آغاز قرون وسطی در این دوره فلسفه مسیحی و غیر مسیحی در کنار هم زندگی می کردند.

- سالهای بین 600 تا 1000 میلادی می باشد که در تاریخ فکری غرب به «عصر ظلمت» مشهور بوده در این عصر فعالیت فکری در اروپا عملاً تعطیل بود.

فصل ششم سه دوره قرون وسطی «هالینگ دیل»

● دوره واپسین عملاً فلسفه غیر
مسیحی ممنوع بوده با این حال
فیلسوفان مسیحی تا اندازه زیادی
زیر تأثیر آرای ارسطویی بودند.

دوره قرون وسطی (آن فرمانتل)

- 1 - قرون مُظْلِم یا دوره بسیار تاریک که شامل قرن پنجم تا قرن دهم می باشد.
- 2 - قرون میانه که از قرن دهم شروع و تا قرن پانزدهم یعنی تا عصر رنسانس طول می کشد.



اقتدار سیاسی کلیسا

- فقدان اقتدار و تمرکز قدرت بوده بطوریکه محدوده و مرزهای سیاسی چندان مشخص نبود
- در قرون نهم، یازدهم و سیزدهم برتری مطلق قدرت کلیسا بر قدرت های غیر دینی به اوج خود می رسید.

اقتدار سیاسی کلیسا

- کلیسا با الگوبرداری از تشکیلات امپراطوری روم برای خود سلسله مراتب، نهادها و موسساتی را دایر می نماید. درکنار این نهادها و تشکیلات، زمین ها و اموال متعددی در اختیار کلیسا قرار می گیرد.
- در رأس نهادهای عریض و طویل کلیسا پاپ قرار داشت.

پاپ گلاسیوس

- “امور این جهان بطور کلی به وسیله دو قوه اداره می شود: یکی اقتدار کلیسا و دیگری قدرت پادشاهان...، و اما از این دو شمشیر قدرت کلیسا برتری دارد، چرا که حتی در باره اعمال پادشاهان در روز رستاخیز پیشوایان مذهبی به پرسش هایی که از طرف پروردگار می شود باید جواب بدهند.”

ویژگی اقتصادی و اجتماعی

- اقتصاد قرون وسطی مبتنی بر محوریت تولیدات کشاورزی بود
- مارکسیستها: قرون وسطی را مرحله سلطه فئودالیسم در اروپا می دانند. دولت و نهادهای مذهبی را به عنوان ابزار سلطه طبقه حاکم حافظ منافع اقلیت صاحب قدرت بود.

جامعه اروپا از نظر اجتماعی

- 1 - طبقه دربار که در رأس آنها امپراتور یا فرمانروا بوده
 - 2 - طبقه اریستوکرات یا ارباب بزرگ زمیندار
 - 3 - عوامل مربوط به نهاد کلیسا که در رأس آنها پاپ قرارداشت.
- لوفان بومر: «شهرها خود نیمه روستایی و درحکم جزایری در میان دریای وسیع اقتصاد ارضی بودند.»

فصل ششم ویژگی‌های اندیشه سیاسی در قرون وسطی

- اندیشه سیاسی در این عصر جزم گرایی و تعیین دایره محدود فکری از سوی کلیسا است.
- آنچه در این عصر جریان داشته الهیات مسیحی و منطق ارسطویی و اندکی نیز فلسفه نوافلاطونی است
- خروج از این چهارچوب معین شده به منزله مخالفت با اعتقادات کلیسا و در نهایت کفر تلقی می گردید.

فصل ششم ویژگی‌های اندیشه سیاسی در قرون وسطی

- سنت آگوستین: «خدا و روح، این است آنچه ما می‌خواهیم بشناسیم، دیگر هیچ؟ و مطلقاً هیچ».

فصل ششم ویژگی‌های اندیشه سیاسی در قرون وسطی

- **ارنست ترولتس :** هنر و علم مدتهای مدید «سخت وابسته به کلیسا بود؛ در حقیقت، هیچ گونه ارزش غیردینی و مستقلى در تمدن وجود نداشت که مدعى وجود حق الهى سوای کلیسا و آرمانهای آن باشد. تنها حاکمیت موجود، حاکمیت کلیسا بود؛ نه دولت، نه تولید اقتصادی، نه علم و نه هنر - هیچ یک حاکمیتی نداشتند.»

فصل ششم اندیشه های متکلمین قرون وسطی

1- ایمان گرایان

2- عقل گرایان

فصل هفتم

سنت آوگوستین

سنت آوگوستین

- «افراد بشر دو گروه اند: یک گروه آنانی هستند که بر حسب میل انسان، و گروه دیگر براساس خواست خداوند زندگی می کنند.»

اهداف مرحله ای

- آشنایی با اندیشه های سیاسی سنت اوگوستین.
- در این ارتباط به موضوعاتی همچون روش شناسی، انسان شناسی، خاستگاه دولت، تفکیک دو جامعه آسمانی و زمینی از نظر این متفکر پرداخته شده و در ضمن اشاره به وظیفه دولت، فلسفه تاریخ و در نهایت تأثیر اندیشه های وی در غرب خواهد شد.

اهداف رفتاری

- 1- خاستگاه و روش فکری اوگوستین را بنویسد.
- 2- با نظر اوگوستین در ارتباط با سرشت انسان و دلایل بندگی آشنا می شود.
- 3- چگونگی تشکیل جامعه سیاسی از نظر وی را توضیح دهد.

اهداف رفتاری

- 4 - دو شکل دولت و کارکردهای آن دو از نظر اوگوستین را توضیح دهد.
- 5 - فلسفه تاریخ اوگوستین و همچنین بازتاب اندیشه های وی در غرب را شرح دهد.

فصل هفتم

آثار سنت آوگوستین

● «شهر خدا»

● «اعترافات»

- نظریهٔ سیاسی آوگوستین تلفیقی از دو منبع اساسی متون مقدس و واقعیات اجتماعی است،
- «متون مقدس، بالاترین مرجع اند و در تمامی مواردی که جهل ما بدانها نادرست است و خودمان بشخصه هم نمی توانیم بدانها وقوف یابیم، باید مرجعیت متون مقدس را بپذیرم».
- «هیچ کس بیش از پیروان فلسفهٔ افلاطونی به ما (مسیحیان) نزدیک نیست».

1 - برخی شهر خدا را نخستین و عمده ترین رساله مفصل سیاسی با رویکرد الهیات مسیحی دانسته و به تعبیر دیگر آن را تحت عنوان اثر سیاسی یا به اصطلاح «اوگوستینیسم سیاسی» می دانند

دو دیدگاه کلی در ارتباط با شهر خدا

2 - نحوه تحلیل وی بگونه ای است که باید آن را در چهارچوب الهیات تاریخ و یا تاریخ رستگاری بدانیم. از این رو چندان ارتباطی به دانش سیاسی ندارد.



علت اساسی سقوط روم

- ادوارد گیبون : علت اساسی سقوط روم را بر عهده دو گروه یعنی «اقوام وحشی و دیگر کشیشان» می گذارد.
- آوگوستین سعی می کند در یک برداشت کلی علل ظهور و صعود امپراطوری روم را به انگیزه های قدرت طلبی انسان نسبت دهد

سرشت انسان

فصل هفتم

● داستان خلقت

● «فهم، پاداش ایمان است. بنابراین به دنبال آن مباش که بفهمی تا ایمان داشته باشی، بلکه ایمان داشته باش تا شاید بفهمی.»

● انسانها از نظر آفرینش برابر بوده و برتری ذاتی و نژادی نسبت بهم ندارند.

سرشت انسان

- به نظر اگوستین گناه نخستین که از یکسو نشان دهنده اختیار و آزادی انسان بوده و از سوی دیگر گواهی بر عجز و ناتوانی اوست تبعات منفی مختلفی برای انسان داشته است
- طبیعت انسان دارای دو مظهر است یکی روح و دیگری جسد

انسانها دو گروه هستند

- گروه اول شامل کسانی می شود که بر اساس تمایلات نفسانی و غرایز جسمانی زندگی می کنند آنها اسیر و بنده بُعد مادی و جسمی خود هستند و متعلق به سرزمین خاکی می باشند.

انسانها دو گروه هستند

- گروه دوم کسانی که براساس تمایلات معنوی و روحانی خود زندگی کرده و آنها مسافرانی هستند که برای رفتن از سرزمین خاکی به سوی سرزمین الهی لحظه شماری می نمایند. و این گروه نسبت به گروه اول دارای جمعیت اندکی هستند.

- شکل اول: شامل تسلط انسان بر هم‌نوع خود بوده که البته به دو گونه می‌باشد. نوع اول به صورت بندگی و بردگی است نوع دوم به صورت حکومت یک یا گروه اندکی بر تعداد کثیری از مردم.
- شکل دوم: شامل تسلط انسان بر طبیعت که در قالب مالکیت خصوصی متجلی می‌شود.

فصل هفتم توجیه بندگی انسان و مالکیت خصوصی

- بردگی ناشی از معصیت و خطاکاری بشر بود، و ربطی به طبیعت او ندارد.
- منشأ بندگی انسان و علت محکوم شدنش به فرمانبرداری از انسانی دیگر، همانا ارتکاب معصیت است. ولی به هر حال نزول چنین کیفری بر بنده عاصی و خطاکار جز به حکم و اراده یزدان میسر نیست.

مالکیت خصوصی

- مالکیت خصوصی در شهر آسمانی و بهشت بی معناست، در آنجا نعمت و مواهب الهی به حد کافی و بر اساس نیاز انسان وجود داشته و دیگر نیازی به جمع آوری مال و ثروت نیست.

مالکیت خصوصی

- اصل مالکیت برای تداوم زندگی و حیات انسان در روی زمین ضروری می باشد. بنابراین کسی بواسطه داشتن ثروت مرتکب گناه نشده؛ مگر اینکه راه جمع آوری و نحوه استفاده از آن به طریق ناصحیح باشد.

جامعهٔ سیاسی

- نهادهای همچون دولت را یک امر ضروری ولی ناقص می داند
- حضور در چنین جامعه و دولتی بر حسب ضرورت و صرفاً امری گذرا و موقتی است برای اینکه استقرار جاودانه و دائمی به همراه خوشبختی انسان در جهان دیگر محقق می گردد.

اشکال حکومتها

1- حکومت آسمانی یا شهر خدا

2- حکومت زمینی یا شهر شیطان

● حکومت به نوعی به دو بُعد انسان یعنی بعد مادی، جسمی و دیگری بعد معنوی و روحانی او بر می گردد.

اهداف و وظایف حکومت

- هدفش در دنیا تحقق بخشیدن به دو آرمان بزرگ انسانی یعنی برقراری «عدالت» و «حفظ صلح» است.
- عدالت را به یک معنا مطابقت و هماهنگی با نظم و قانون می داند. این نظم می تواند از خانواده تا به نظم جهان شمول (مشیت الهی) نیز شامل شود.
- هر جامعه، اعم از زمینی یا آسمانی، بخش عمده هدفش تأمین صلح و آرامش است.

فلسفه تاریخ

فصل هفتم

- به نظر وی مفهوم زمان یک امر ذهنی بوده و در این سیر جهان مادی (از آغاز تا پایان) قابل طرح است و در جهان باقی و ابدیت که مادی نیست زمان مفهومی ندارد.

فصل هفتم تأثیر اندیشه های آوگوستین در غرب

- - تأثیر بر متفکرین عصر خِردگرا
- - تأثیر بر نقش دولت ملت

فصل هشتم

توماس آکوئیناس

اهداف مرحله ای

- در این فصل به بررسی اندیشه های توماس آکوئیناس خواهیم پرداخت. وبانگاهی ارتباط تحولات را با اندیشه های توماس مطرح خواهیم نمود.
- اشاره ای به منابع فکری، انسان شناسی، دیدگاه وی نسبت به دولت و اشکال حکومتها خواهیم داشت.

- دلایل توماس بر ارجحیت نظام پادشاهی، حق اعتراض نسبت به حکام خودکامه، رابطه کلیسا با دولت، قوانین چهارگانه، توجیه بندگی و در نهایت تأثیر اندیشه های وی در غرب اشاره خواهد شد.

اهداف رفتاری

- 1- با تجدید حیات علمی و فرهنگی و تحولات فکری غرب در قرون دوازدهم و سیزدهم آشنا شود.
- 2- بتواند دو مشرب فکری و تأثیر گذار در این عصر یعنی فرانسیسکن ها و دومینیکن ها را توضیح دهد.
- 3- تأثیر عقاید ارسطو و ابن رشد در غرب قرن سیزدهم را بداند..

اهداف رفتاری

فصل هشتم

- 4- بتواند سرشت انسان و جامعهٔ سیاسی از نظر توماس را شرح دهد.
- 5- اشکال حکومت و دلایل برتری نظام پادشاهی از نظر توماس را بیان نماید
- 6- قوانین چهارگانه، دلایل بندگی و نظرات اقتصادی وی را شرح دهد.
- 7- تأثیر اندیشه های سیاسی و اجتماعی توماس در غرب را بداند.

آثار توماس آکوئیناس

- در حال حاضر بیش از شصت جلد کتاب معتبر از او باقی مانده
- کلیات الهیات
- «در باره حکومت پادشاهی»
- رساله «اصول اخلاقی»
- «سیاست ارسطو»

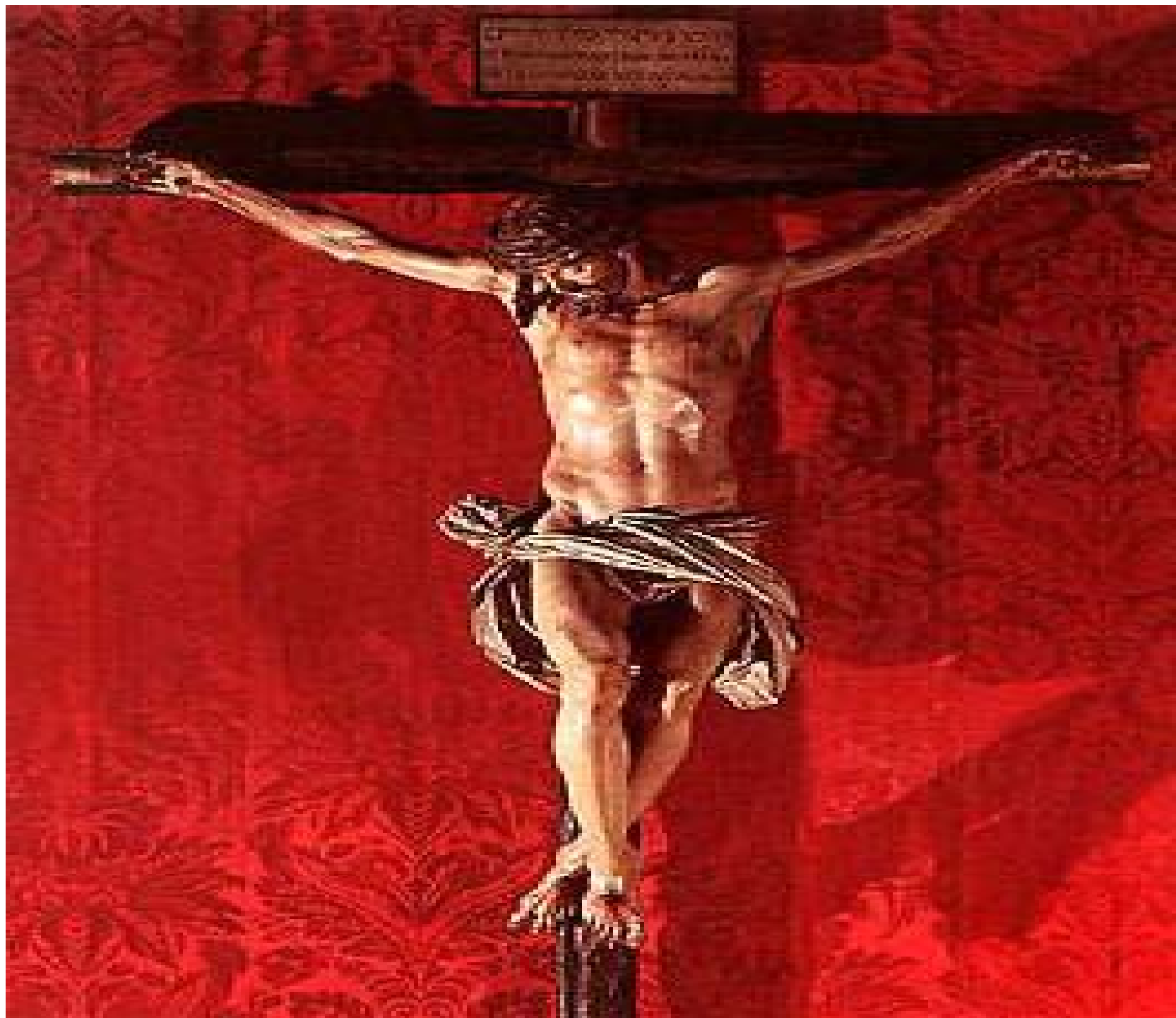
- 1 - حجم عظیم و شگفت انگیز نوشت هایش می باشد.
- 2 - روش دقیق در طرح موضوعات و مسائل
- 3 - عموم نوشته هایش جنبه آموزشی و درسی دارد.

فصل هشتم پیروان آئین مسیح از نظر روش فکری

- گروه اول که پیرو قدیس معروف یعنی فرانسیس بودند، تحت تأثیر عقاید افلاطونی و آوگوستینوسی رویکرد عارفانه و زاهدانه به جهان و خدا داشتند.

فصل هشتم پیروان آئین مسیح از نظر روش فکری

- گروه دوم یعنی دومینیکن ها که پیرو دومینیک قدیس بودند، دارای رویکرد عقل گرایان و با تأثیرپذیری از عقاید ارسطو بوده و نقش اساسی در رشد علم و دانش در غرب ایفا نمودند.



منابع و خاستگاه فکری آکوئیناس

- منابع و خاستگاه فکری توماس را می توان به مثلثی تشبیه نمود که در رأس آن متون مقدس مسیحی قرار داشته و اضلاع دیگر آن فلسفه ارسطویی و آراء متفکرین حقوق طبیعی رم می باشد. از ترکیب و تلفیق این سه منبع متفاوت ، نظرات وی جاری می شود.

منابع و خاستگاه فکری آکوئیناس

- «سازگار نمودن و آشتی بین ایمان مسیحی با عقل ارسطویی است».
- «مفسر عقاید ارسطو در دانشگاه پاریس»

سرشت انسان

- انسان در بدو خلقت دارای دو بُعد جسمانی و روحانی است . این دو بُعد یعنی تن و روان مغایر و یا از هم جدا نیستند.
- انسان بر خلاف موجودات دیگر که بر اساس غریزه یا جبر طبیعی رفتار می کنند موجودی است که دارای اختیار و آزادی است

سرشت انسان

- سرشت آدمی یکسره بواسطه گناه فاسد و تباه نشده به نحوی که عاری از هرگونه خیر طبیعی شده باشد، پس حتی در وضع طبع تباه شده خویش نیز می تواند به برکت استعدادهای طبیعی خود، اعمال خیری انجام دهد.

سرشت انسان

- انسان برغم گناه اولیه و تبعات ناگوار آن با تولد مسیح تبدیل به یک «انسان نوینی» شده و انسان توانایی تشخیص امور خوب و بد را می دهد.

جامعهٔ سیاسی

- «انسان برای آن آفریده نشده است که سراسر و با تمام وجود، انسانی سیاسی باشد...، تمامی وجود انسان، رفتار او و هر آنچه که دارد همه باید متوجه خدا باشد.»

جامعهٔ سیاسی

- هر انسانی جزئی از کل یعنی اجتماع است. بنابر این پایه و بنیاد اساسی تشکیل جامعه نه شرارت انسان بلکه روحیهٔ اجتماعی و گروه طلبی اوست.

- روحیهٔ گروه طلبی و طبیعت اجتماعی انسان می‌طلبد برای حفظ و نگه‌داری این انجمن به شکل مناسب دولت تشکیل شود.
- قدیس و سیاست، به عنوان حوزهٔ تأمین مصالح مرسله است که اگر به درستی فهمیده شده باشد، عین دیانت است.

فصل هشتم جامعه در کتاب «درباره حکومت پادشاهی»

- 1 - جامعه در وحدت صلح بنا گردد.
- 2 - جامعه به سوی عمل خوب رهنمون گردد.
- 3 - عرضه کافی وسایل مورد نیاز در زندگی،
که آن هم در اثر تلاشهای فرمانروا تولید
می شوند.

1- بشر طبیعتاً موجودی اجتماعی است بنابراین، حتی اگر انسان را به لحاظ فطری پاک بپنداریم نیاز به حکومت امری اجتناب ناپذیر است.

2 - مسئله نابرابری طبیعی مردم است که ایجاب می کند عده ای به اسم حفظ جان و مال و تأمین آزادی و رفاه توده مردم عهده دار امور عمومی مردم و مصالح ایشان باشند.

اشکال حکومت

- کوئیناس همانند ارسطو دو ملاک کلی برای اشکال حکومتها قید می کند ابتدا از نظر تعداد که می تواند یک نفر، چند نفر و یا تعداد کثیری باشد و دوم از نظر مشروعیت توجه به خیر همگانی و عمومی است
- «ضروری و شایسته است که همه سهمی در دولت داشته باشند» و امر انتخابات را تکلیف و تأکید می کند

اشکال حکومت

- مطلوب ترین نوع حکومت را پادشاهی مشروطه دانسته اشکال حکومت‌های پادشاهی، اریستوکراسی و دموکراسی. به دو دلیل:
- یکی اینکه هر فردی شایستگی فرمانروایی را دارد،

اشکال حکومت

- دوم اینکه فرمانروایان، برگزیدگان مردم اند. این بهترین نوع جامعه سیاسی است.
- بدترین نوع حکومت، نظام جباری و استبدادی است

دلایل برتری نظام پادشاهی

- 1 - طبیعی
- 2 - عقلی
- 3 - تجربی

حق انقلاب در برابر خودکامگی

- باید شکل حکومت و نحوه به قدرت رسیدن به درستی محقق شود تا امکان و وسوسه خودکامگی و استبداد گرفته شود. حتی اگر فرمانروا به شکل غیر قانونی به قدرت رسید ولی دو اصل اساسی را رعایت نمود

حق انقلاب در برابر خودکامگی

- در آن صورت اطاعت از حکام لازم است:
- 1 - این حکام خود مطیع اوامر مقامات بالاتر خود باشند.
- 2 - قوانین و دستوراتشان با قوانین و احکام بالاترین مقام، مغایرتی نداشته باشد.

فصل هشتم حق انقلاب در برابر خودکامگی

- موضوع مشارکت سیاسی مردم بویژه در انتخاب فرمانروا و همچنین نظارت گروهی بر اعمال او را تأکید می کند با این حال پادشاه را «خدای روی زمین دانسته و قدرت او را در امور دنیوی مطلق می داند. از نظر او خداوند این قدرت مطلق را از طریق مردم به پادشاه تفویض نموده

کلیسا و دولت

- هدایت و راهبری انسانها به سوی هدف غائی یعنی سعادت را کلیسا بر عهده دارد. ومسئولیت کلیسا نیز از دولت سنگین تر می باشد.

کلیسا و دولت

- «براساس قوانین مسیح، شاهان باید تابع کشیشان باشند» به همان صورت دولت نیز باید تابع کلیسا
- کلیسا بر دولت اقتدار عام و تفوق دارد ولی حوزه مسئولیت آنها باهم متفاوت بوده و نباید در امور هم دخالت نمایند

قوانین چهارگانه

فصل هشتم

- 1- قانون ازلی یا مشیت خداوندی
- 2- قانون طبیعی
- 3- قانون الهی
- 4- قانون بشری

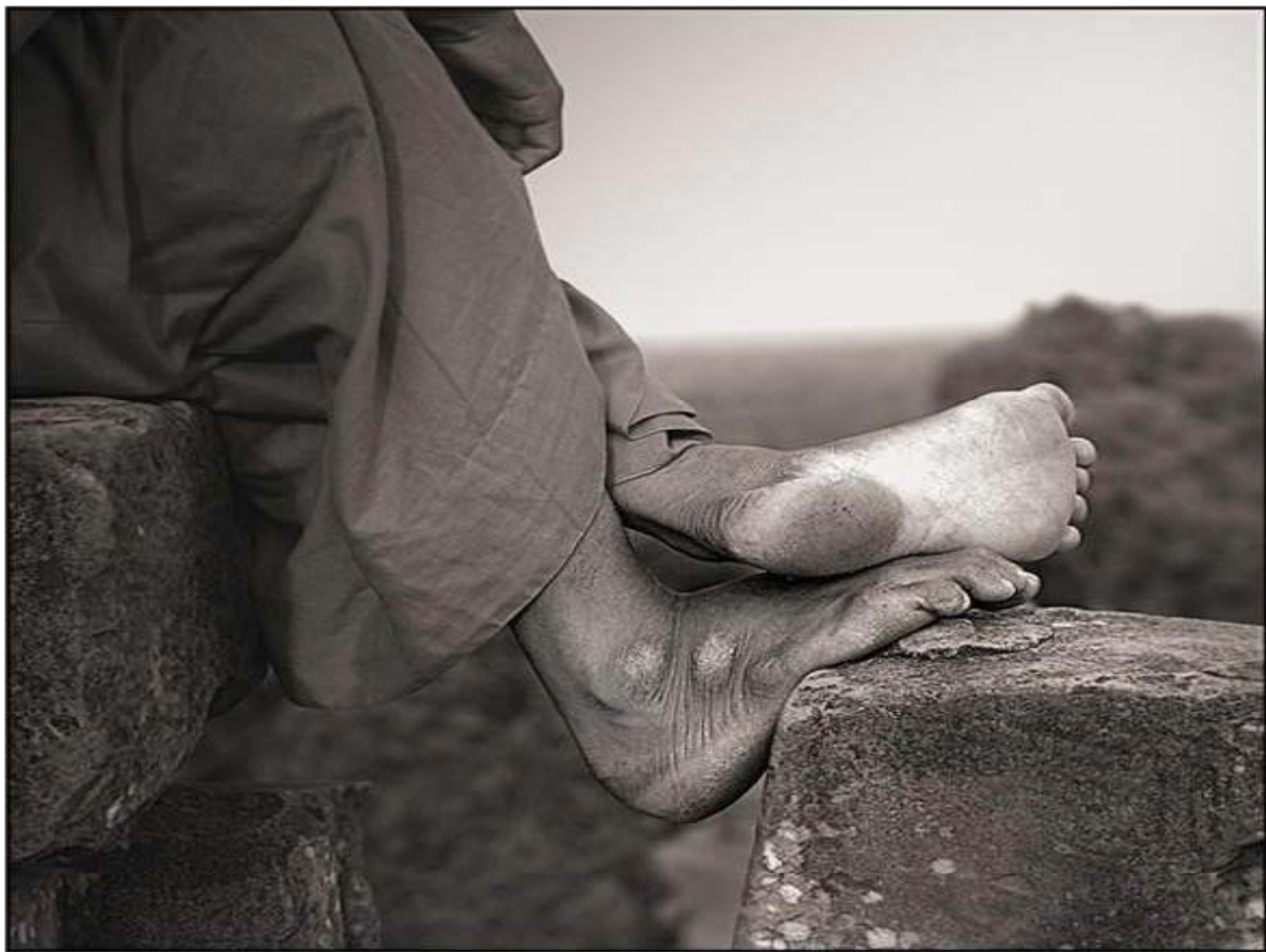
بندگی و مالکیت خصوصی

- دولت و مالکیت خصوصی امری کاملاً طبیعی برای انسان بوده ولی بندگی برخلاف طبیعت اوست.

بندگی و مالکیت خصوصی

● دو دلیل اساسی برای طبیعی بودن دولت :

- 1 - به دلیل طبع اجتماعی و سیاسی بودن انسان.
- 2 - اگر در اجتماع، انسانی از حیث فضیلت، عدل و دانش بر دیگران برتری داشته باشد دور از انصاف، منطق و عقل انسانی است که او رهبر نباشد.



1- بر اساس استدلال ارسطو بردگی به دلیل تفاوت و نابرابری انسانها در کسب فضایل است.

2- بر اساس استدلال آوگوستین، بردگی و بندگی انسان محصول شرارت و به یک معنا کفاره گناه اولیه اوست

فصل نهم

رویارویی اندیشه های سیاسی
پاپالیست ها و طرفداران حکومت عرفی

اهداف مرحله ای

- در این فصل به جدال فکری متفکرین طرفدار اقتدار پادشاه و پاپ اشاره می شود.
- پس از طرح تحولات و زمینه های شکل گیری این منازعات قلمی به بررسی مختصر اندیشه های متفکرینی همچون جان سالیسبوری، دانتیه و مارسيله پادوا خواهیم پرداخت.

اهداف رفتاری

- 1- توضیح مختصری از رابطه دین و دولت در قرون وسطی ارائه دهد.
- 2- منظور دو طیف موافق و مخالف اقتدار پاپ و پادشاه از نظریه دو شمشیر را بداند.
- 3- دو رویداد مهم تاریخی که منجر به ستیز بین پاپ و پادشاه شد را مطرح نماید.

اهداف رفتاری

- 4- تفکیکی بین دو گروه مخالفین و موافقین اقتدار پاپ و پادشاه در قرون دوازدهم و چهاردهم ارائه دهد.
- 5- نظریه ارگانیزم اجتماعی سالیسبوری را بداند.
- 6- مشخصات کلی نظریات دانتیه در رساله در باره پادشاهی را شرح دهد

اهداف رفتاری

- 7- نظر پیر دوبوا در مورد علت ناکامی مسیحیان در گرفتن سرزمین مقدس را بداند.
- 8- رابطه دین و سیاست از نظر مارسیله را توضیح دهد.
- 9- تفکیک قوانین و افتراق آنها را از نظر مارسیله بیان کند.
- 10- اشتراک و اختلاف ویلیام اوکام با مارسیله را در باره کلیسا و پاپ بداند.

رویارویی پاپ و شاه

- «مال قیصر را به قیصر و مال خدا را به خدا بدهید»
- از یکسو موافقین اقتدار پاپ (کلیسا) یا همان پاپالیست ها قرار دارند
- ازسوی دیگر کسانی که خواهان تفکیک حوزه مقام روحانی و مقام دنیوی از هم بوده و از این طریق از اقتدار امپراطور یا پادشاه در مقابل پاپ حمایت می کردند.

جان سالیسبوری

- طرح «نظریه ارگانیزم اجتماعی»
- سعی نمود موقعیت و مقام لایه های اجتماعی را با برتری کلیسا معین نماید
- طرح نظام خداسالاری سعی می کند با استناد به نظریه دو شمشیر موقعیت کلیسا را برتر از دیگر قدرتها دانسته و شمشیر دولت را تابع شمشیر کلیسا نماید.

● لایه های اجتماعی :

- - کلیسا در حکم «روح»
- - «شهریار» در حکم «سر»
- - مجلس سنا به عنوان قلب این پیکرند

جان سالیسبوری

- - قضات و حاکمان ولایات در حکم چشم و گوش و زبان
- - درباریان را که همواره نزدیک شهریانند بعنوان پهلوه‌ای این پیکر
- مقامات مالی و خزانه داران در حکم معده و روده های این پیکرند
- مردم بویژه کشاورزان هستند که در حکم پاهای این پیکرند

دانته آلیگیری

- دو اثر مهم وی «کمدی الهی» و دیگری «رساله ای در باره پادشاهی»
- معتقد است انسان ذاتاً موجودی اجتماعی بوده و حکومت برای اداره زندگی اجتماعی امری لازم و ضروری است. به نظری هدف و غایت اساسی جامعه سیاسی یعنی صلح و عدالت میباشد که در سایه حکومت پادشاهی دنیوی محقق می گردد.

دانته آلیگیری

● معتقد است برای بدست آوردن این صلح لازم است که یک نفر بر دنیا حکومت کند و این یک نفر به عقیده دانته امپراتور جهانی روم است که همه باید از او اطاعت کنند.

مارسیله پادوآیی

● رساله «اقتدار شاه و پاپ»

- سرور ما پاپ، صاحب هیچ یک از شمشیرها نیست و در امور دنیوی نیز تصرفی ندارد، مگر اینکه شهریار از سر پارسایی و تقوا آن را به او تفویض کرده باشد.

- مهمترین کتاب وی «مدافع صلح و آرامش»
- وی با انتقاد شدید از دخالت‌های روزافزون پاپ در امور سیاسی و دنیوی، علت اساسی ناکامی مسیحیان از تصرف ارض مقدس در جنگ‌های صلیبی را همین مسئله دانسته و به پاپ توصیه می‌کند بجای دخالت در امور سیاسی در فکر دعا، طلب بخشایش و دآوری دینی بین مسیحیان باشد.

- پاپ باید اقتدار دنیوی اش را به پادشاه فرانسه واگذارد و خود به اعمال مقدس دینی بپردازد و در مقابل به شاه پیشنهاد می نماید که مقرری سالیانه ای برای هزینه های دستگاه کلیسا و پاپ در نظر بگیرد.
- طرح «وحدت ملل اروپایی»

- 1- کلیسا حق قانونگذاری ندارد.
- 2- پاپ و روحانیان از متابعت قوانین حکومتی برکنار نیستند.
- 3- پاپ و روحانیون، حق آن را ندارند که به نام کلیسا حکومت کنند.
- 4- پاپ و روحانیان حق جمع آوری ثروت و مال اندوزی ندارند.

